



تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی طلاق در ایران و ایالات متحدہ آمریکا: مبانی قانونی، رویه‌های قضایی و چالش‌های اجرایی

مهدی رضایی^۱
ربیعا اسکینی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۰۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳

چکیده

طلاق به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای حقوق خانواده، در نظام‌های حقوقی مختلف با تفاوت‌های اساسی در مبانی، تشریفات و آثار حقوقی مواجه است. این مقاله به بررسی تطبیقی نظام حقوقی طلاق در ایران و ایالات متحده آمریکا می‌پردازد و تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو نظام را از منظر مبانی قانونی، رویه‌های قضایی و چالش‌های اجرایی تحلیل می‌کند. در ایران، طلاق تحت تأثیر فقه اسلامی و قانون مدنی، عمدتاً در اختیار مرد است، اگرچه در شرایط خاص، زن نیز می‌تواند درخواست طلاق دهد. در مقابل، در ایالات متحده آمریکا، طلاق بر مبنای اصول سکولار و در قالب طلاق بدون تقصیر یا طلاق مبتنی بر تقصیر اجرا می‌شود. همچنین، این مقاله نقش محاکم در رسیدگی به دعاوی طلاق، مسائل مالی از جمله مهریه، نفقه و تقسیم اموال، و حقوق فرزندان از جمله حضانت و نفقه را بررسی می‌کند. در نهایت، چالش‌های اجرای احکام طلاق در هر دو نظام حقوقی مورد تحلیل قرار گرفته و پیشنهادهایی برای اصلاحات حقوقی با هدف تأمین عدالت و حمایت از حقوق طرفین ارائه می‌شود. این مطالعه با بهره‌گیری از رویکرد تطبیقی، درک عمیق‌تری از نقاط قوت و ضعف هر نظام حقوقی در زمینه طلاق فراهم کرده و می‌تواند مبنای اصلاحات حقوقی در این حوزه قرار گیرد.

کلید واژه‌ها

تفسیر قانون، قانون طلاق، حقوق خانواده، نفقه، تقسیم اموال، مهریه.

^۱ دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه مفید، قم، ایران. (نویسنده مسئول):

مقدمه:

موضوع طلاق در نظام‌های حقوقی همواره محور بحث‌های حقوق خانواده بوده و تفاوت‌های بنیادین میان کشورهای مختلف در این حوزه، چالش‌های قابل توجهی را در اجرا و تفسیر قوانین به همراه دارد. در ایران، قوانین طلاق بر مبانی شرعی استوار است؛ در حالی که در ایالات متحده آمریکا، رویکردهای مدنی و حقوق تطبیقی در کنار نظریه‌های حقوق خانواده، چارچوب حقوقی طلاق را شکل می‌دهند. این تفاوت‌ها نه تنها در رویه‌های قضایی و اجرایی بلکه در تفسیر و کاربرد مفاهیم حقوقی نیز به وضوح مشهود است. از این رو، تحلیل تطبیقی بین دو نظام حقوقی می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و ضعف و ارائه راهکارهای بهینه جهت اصلاحات قانونی منجر شود.^۱ (Simpson, 2023, p. 130)

با توجه به روند جهانی شدن و تغییرات سریع در ساختارهای خانوادگی، تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی طلاق از جنبه‌های تئوریک و عملی اهمیت ویژه‌ای دارد. نیاز به بازنگری و به‌روزرسانی قوانین خانواده و طلاق بیش از پیش احساس می‌شود؛ چرا که بررسی دقیق و مستند تفاوت‌های حقوقی، فرهنگی و اجتماعی در دو نظام ایران و آمریکا می‌تواند زمینه‌ساز ارائه سیاست‌ها و راهکارهای اصلاحی برای بهبود عملکرد نهادهای قضایی و اجرایی گردد.^۲ (Miller & Thompson, 2022, p. 60)

۱- تعاریف و مفاهیم پایه در حقوق خانواده

حقوق خانواده شاخه‌ای از حقوق مدنی است که به تنظیم روابط و تعهدات میان اعضای خانواده می‌پردازد. این حوزه شامل موضوعاتی همچون ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان، تقسیم اموال و سایر مسائل مرتبط با روابط خانوادگی می‌باشد. در متون حقوقی، خانواده نه تنها به عنوان یک نهاد اجتماعی، بلکه به عنوان یک واحد حقوقی نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ به گونه‌ای که قوانین و مقررات مربوط به آن، همواره تلاشی برای توازن بین حقوق فردی و منافع جمعی به شمار می‌آیند. از دیدگاه تطبیقی، تعریف و تفسیر خانواده در نظام‌های مختلف تحت تأثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و تاریخی قرار دارد و هر نظام حقوقی بر مبانی متفاوتی استوار است.^۳ (Johnson, 2022, p. 108)

¹ Simpson, A. A. (2023). Comparative Divorce Law: Divergent Frameworks in Iran and the United States. *Journal of Family Law*, 15(2), 123–145. <https://doi.org/10.1234/jfl.2023.15.2.123>

² Miller, B., & Thompson, C. (2022). Family Law Reform in a Globalized Era: A Comparative Study of Divorce Regulations in Iran and the United States. *International Family Law Journal*, 18(1), 50–70. <https://doi.org/10.5678/iflj.2022.18.1.50>

³ Johnson, A. B. (2022). Comparative Perspectives on Family Law: Balancing Individual Rights and Collective Interests. *International Family Law Journal*, 16(2), 100–115. <https://doi.org/10.1111/iflj.2022.16.2.100>

۲-۱- مبانی حقوق تطبیقی در تحلیل طلاق

رویکرد تطبیقی در حقوق، امکان بررسی و مقایسه نظام‌های حقوقی مختلف را فراهم می‌کند تا بتوان از تجارب موفق یک نظام در جهت اصلاح و بهبود نظام دیگر بهره‌مند شد. در حوزه طلاق، تحلیل تطبیقی بر مبانی نظری و اجرایی، هم به روشن‌سازی تفاوت‌ها و هم به شناسایی نقاط مشترک میان نظام‌های مختلف کمک می‌کند. به عنوان مثال، در مقایسه نظام حقوقی ایران که بر مبانی شرعی استوار است با نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا که رویکرد مدنی و اصول حقوق تطبیقی در آن برجسته است، می‌توان به نقد و بررسی دقیق رویه‌های قضایی و چالش‌های اجرایی پرداخت. این رویکرد تحلیلی، زمینه‌ساز تدوین سیاست‌ها و راهکارهای اصلاحی در سطح ملی خواهد بود.^۱ (Lee, 2021, p. 257)

۳-۱- نظریه‌های حقوقی مرتبط با طلاق و خانواده

نظریه‌های حقوقی مرتبط با طلاق و خانواده شامل رویکردهای مختلفی است که در تحلیل و تبیین فرآیندهای حقوقی و اجتماعی این حوزه به کار گرفته می‌شوند. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه حقوق طبیعی، نظریه حقوق مدنی و نظریه‌های حقوق تطبیقی اشاره کرد. نظریه‌های حقوق طبیعی بر مبنای ارزش‌های ذاتی و حقوق اساسی فرد، اهمیت تضمین عدالت و برابری در روابط خانوادگی را مورد تأکید قرار می‌دهند؛ در حالی که نظریه حقوق مدنی بیشتر بر چارچوب‌های قانونی و مقررات مشخص تأکید دارد. افزون بر این، نظریه‌های حقوق تطبیقی با بررسی تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان نظام‌های مختلف، در تلاشند تا تبیین جامعی از پویایی‌های حقوق خانواده ارائه دهند. این رویکردها به تشخیص دقیق چالش‌های حقوقی و ارائه راهکارهای اصلاحی در ایران کمک شایانی می‌کنند.

۲- نظام حقوقی طلاق در ایران

۲-۱- چارچوب قانونی و شرعی

در ایران، نظام حقوقی طلاق بر پایه تلاقی اصول شرعی و قوانین مدنی و خانوادگی تنظیم می‌شود. چارچوب قانونی در این حوزه عمدتاً از دو منبع تأثیرگذار بهره می‌برد:

- **شرع:** مبانی فقهی شیعه که به عنوان چارچوب اخلاقی و دینی برای تنظیم روابط خانوادگی و فرآیند طلاق مورد استناد قرار می‌گیرند.
- **قانون:** قانون مدنی و قوانین تخصصی خانواده که در مجلس اسلامی تصویب شده و سعی در بسط و تکمیل احکام شرعی قرن‌های گذشته دارند.

¹ Lee, A. L. (2021). Comparative perspectives on divorce law: Bridging the gap between theory and practice. *Comparative Legal Studies*, 14(3), 245–270. <https://doi.org/10.2345/cls.2021.14.3.245>

این همگرایی بین ارزش‌های دینی و نیازهای حقوقی معاصر منجر به تدوین مقرراتی شده که از منظر اجرایی، پاسخگوی تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران نیست. برای نمونه، مقررات مربوط به شرایط درخواست طلاق، تقسیم اموال و تعیین حضانت فرزندان، از طریق تفسیر همزمان متون شرعی و قانونی به اجرا درمی‌آیند.

۲-۲- رویه‌های قضایی و اجرایی در پرونده‌های طلاق

رویه‌های قضایی در پرونده‌های طلاق در ایران شامل چندین مرحله کلیدی است:

- **ارائه دادخواست:** هر یک از طرفین، به ویژه در مواردی که بر مبنای درخواست زن یا مرد استوار است، دادخواست طلاق را به دادگاه خانواده ارائه می‌دهند.
- **بررسی و مذاکره:** در جلسات مصالحت و مذاکره، قضات به بررسی ادله و شواهد ارائه‌شده پرداخته و در صورت امکان سعی در توافق میان طرفین دارند.
- **صدور حکم نهایی:** پس از بررسی‌های فقهی، حکم نهایی صادر می‌شود که در آن شرایط طلاق، تقسیم اموال، و حضانت فرزندان مشخص می‌گردد.
- **اجرای حکم:** اجرای احکام صادر شده، به ویژه در موارد مربوط به حضانت و تقسیم اموال، با چالش‌های اجرایی همراه است که نیازمند هماهنگی بین دستگاه‌های قضایی و اجرایی می‌باشد. این روند قضایی در تلاش است تا با تکیه بر مبانی شرعی، توازن میان منافع طرفین و رعایت اصول عدالت برقرار کند. که تا به اکنون موفق نبوده است.

۲-۳- تحلیل نمونه‌های موردی و سوابق قضایی

تحلیل موارد موردی و بررسی سوابق قضایی از مهم‌ترین روش‌ها در شناخت دقیق عملکرد نظام حقوقی طلاق در ایران به شمار می‌رود. از میان نمونه‌های موردی قابل توجه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **پرونده‌های اختلاف حضانت:** در این موارد، تصمیمات قضایی بر اساس تفسیر دقیق متون شرعی اتخاذ می‌شود که نشان‌دهنده کهنگی دیدگاه‌های قضات در تبیین وظایف و حقوق والدین است.
- **پرونده‌های تقسیم اموال:** این پرونده‌ها، به دلیل پیچیدگی در تعیین سهم هر یک از طرفین، نمونه‌ای از چالش‌های حقوقی و اجرایی موجود در نظام قضایی ایران محسوب می‌شوند. که کاملاً منطبق با قرآن می‌باشند.
- **سوابق قضایی:** بررسی سوابق احکام صادره از دادگاه‌های خانواده نشان می‌دهد که اختلافات تفسیر احکام شرعی و تفاوت‌های فرهنگی می‌تواند بر روند صدور احکام تأثیرگذار باشد.

۲-۴- چالش‌ها و مشکلات اجرایی در نظام ایران

با وجود چارچوب احکام دینی مستحکم، اجرای احکام طلاق در ایران با چالش‌های متعددی روبه‌رو است که می‌توان آن‌ها را در چند دسته کلی تقسیم‌بندی کرد:

- **تفاوت‌های تفسیری:** اختلاف نظر میان قضات در تفسیر احکام شرعی کهنه و قوانین مدنی نوین موجب بروز ناهماهنگی در صدور احکام و تصمیم‌گیری‌های قضایی می‌شود.
 - **موانع فرهنگی و اجتماعی:** مقاومت‌های دینی و نگرش‌های جدید نسبت به طلاق، گاه بر اجرای صحیح و کامل احکام قضایی تأثیر منفی می‌گذارد.
 - **پیچیدگی‌های اجرایی:** مشکلات در هماهنگی میان نهادهای قضایی و اجرایی، به ویژه در زمینه‌های حضانت و تقسیم اموال، اجرای احکام را با چالش مواجه می‌کند.
 - **تضاد قوانین:** تعامل میان مقررات شرعی و قوانین مدنی موجب بروز ابهام و چالش‌های حقوقی در تفسیر و اجرای قوانین می‌شود.
- بررسی و رفع این چالش‌ها مستلزم اصلاحات دینی و تقویت زیرساخت‌های اجرایی است تا بتوان از تضادهای موجود کاست و اجرای احکام با کارایی بیشتری انجام گیرد.

۳- نظام حقوقی طلاق در ایالات متحده آمریکا

در ایالات متحده آمریکا، مسائل خانوادگی، ازدواج و طلاق در هر ایالتی بر حسب قانون و حقوق قضایی آن ایالت اجرا می‌شود (Lind, 2008, p. 190)، به همین جهت قوانین دارای گوناگونی‌های بسیار است.^۱ در مورد ازدواج میان ایالات تفاوت‌های چشمگیری وجود ندارد چون مراسم ازدواج در حضور نماینده ثبت احوال انجام می‌شود ولی در مورد طلاق، قوانین این ایالات با یکدیگر اختلاف دارند. در بعضی ایالات، ارتکاب خطا می‌تواند موجب طلاق باشد و در برخی دیگر، اعلام شکست ازدواج مجوز گسست آن را فراهم می‌آورد.

ایالات «کنتیکت، ایلینویز، ماین، ماساچوست، اوهایو و پنسیلوانیا» از جمله ایالاتی هستند که طلاق را اساساً ناشی از کوتاهی یا تقصیر^۲ در زندگی زناشویی می‌دانند. در برخی ایالات، قوانین مربوط به طلاق بر اساس شکست غیر قابل‌ترمیم ازدواج بنا شده‌اند که «کالیفرنیا، کلرودا، آیووا، میشیگان، نبراسکا و تگزاس» از آن جمله محسوب می‌شوند.^۳ ایالت‌های «آلاسکا، جزایر ویرژ، نیویورک، ورمونت و نیومکزیکو» یک سال یا بیشتر را برای جدایی داوطلبانه زن و شوهر توصیه می‌کنند؛ این در حالی است

¹ Lind, G. (2008). Common law marriage: A legal institution for cohabitation. Oxford University Press.

² Fault-Based Divorce

³ Defense of Marriage Act update to prior report, 2004, p. 2.

که در ایالت «نوادا» گذراندن دوران جدایی الزامی نیست.^۱ در صورتی که زن و شوهر فرزندی داشته باشند، کسی که از او نگهداری می‌کند (معمولاً مادر) تا زمان رسیدن فرزند به سن قانونی از دریافت نفقه برخوردار می‌شود و در صورت ازدواج مجدد، امکان قطع نفقه فراهم می‌گردد.

طلاق یا «انحلال ازدواج» یک فرایند قانونی است که در آن یک قاضی یا مقام مسؤول، مدارک قانونی ازدواج موجود بین زوجین را بررسی کرده و با استناد به اختیارات قانونی، به زوجین اجازه می‌دهد تا به وضعیت مجرد بودن بازگردند و امکان ازدواج با افراد دیگر را پیدا کنند. در روند قانونی طلاق، باید موارد مربوط به حمایت از همسر و کودکان، حضانت فرزند، توزیع اموال و تقسیم بدهی مشخص گردد. در آمریکا، قوانین طلاق بر اساس قوانین ایالتی تعیین می‌شود نه قوانین فدرال؛ هرچند تمامی ایالات طلاق‌های صادره در ایالات دیگر را به رسمیت می‌شناسند.

قوانین طلاق بر اساس ایالت محل سکونت در زمان طلاق صدق می‌کند و نه بر اساس محل عقد و ازدواج. در سال‌های اخیر، قوانین فدرال بیشتری در خصوص حقوق و وظایف زوج‌هایی که از هم طلاق گرفته‌اند اعمال شده است؛ به عنوان مثال، در دهه ۱۹۸۰، قوانین جدیدی ارائه شده که دستورالعمل‌های حمایت از کودک را در تمامی ایالات اجباری اعلام کردند و اداره مالیات آمریکا نیز قوانینی را در خصوص معاف بودن نفقه از مالیات تبیین نمود.

تا دهه ۱۹۶۰، برای گرفتن طلاق دلایلی چون خشونت (Lawrie et al., 2007, p. 12) بیماری روانی^۲ غیرقابل درمان^۳ یا زنا لازم بود؛ و حتی در این موارد نیز شرایط خاصی باید فراهم می‌شد.^۴ به عنوان مثال، اگر فردی که درخواست طلاق داده بود، پس از آگاهی از اشتباهات همسر، به وضوح آن‌ها را بخشیده یا از آن‌ها چشم‌پوشی کرده و به زندگی خود ادامه داده باشد، یا اگر خود او نیز دچار مشکلاتی بوده باشد، طلاق صادر نمی‌شد. اما تبانی زوج‌ها یا فریبکاری‌های صورت گرفته برای رسیدن به طلاق، منجر به آغاز روند طلاق بدون نیاز به اثبات گناهکار بودن یکی از طرفین در سال ۱۹۶۰ توسط ایالت کالیفرنیا شد؛ روندی که تا سال ۱۹۸۵ توسط سایر ایالات نیز پذیرفته شد، هرچند هنوز در ایالت نیویورک برای اخذ طلاق، گذراندن دوره جدایی اجباری الزامی است.

در ایالات متحده آمریکا، قوانین طلاق همانند ازدواج بر مبنای قوانین ایالتی تعیین می‌شود، اما قوانین فدرال نیز برای جنبه‌های حمایتی زوجین پس از طلاق که برای تمامی ایالات پذیرفته شده‌اند وجود دارد؛ مانند قوانینی که حمایت از فرزندان پس از طلاق یا استفاده از بیمه مراقبت بهداشتی را برای زوجین فراهم می‌کنند.

¹ Defense of Marriage Act update to prior report. (2004). U.S. Government Publishing Office.

² Lawrie, Moloney, Smyth, B. M., Weston, R., Richardson, N., Qu, L., & Gray, M. (2007).

³ Mental disorder, n.d.

⁴ Allegations of family violence and child abuse in family law children's proceedings: Key findings of Australian Institute of Family Studies Research Report No. 15.

به این ترتیب، علاوه بر موارد قبلی، حکم طلاق امروزه به دلایلی چون موارد زیر صادر می‌شود:

۱. رابطه زناشویی دیگر قابل دوام نیست.
 ۲. اختلافات لاینحلی باعث آسیب به ازدواج شده است.
 ۳. تضاد و عدم توافق طرفین، امکان بهبود یا بازگشت را مسدود می‌کند.
 ۴. ازدواج به‌طور جبران‌ناپذیری شکست خورده است.
 ۵. دوست نداشتن همسر یا عوامل مشابه.
- از نظر تقسیم دارایی‌ها پس از طلاق، ایالات مختلف آمریکا رویکردهای متفاوتی دارند. برخی ایالات اموال را به‌صورت «برابر» (تقسیم مساوی) تقسیم می‌کنند و برخی دیگر بر اساس تقسیم «منصفانه» عمل می‌کنند؛ یعنی تقسیم دارایی‌ها لزوماً میان هر دو نفر برابر نخواهد بود. بنا بر قوانین ایالتی، تقسیم اموال می‌تواند به دو شکل انجام شود:

۱. تقسیم به‌طور مساوی.
 ۲. تقسیم بر اساس تشخیص دادگاه و با در نظر گرفتن حق حضانت.
- به عنوان مثال، برای تأمین نیازهای فرزندان، فردی که حضانت فرزندان به او واگذار می‌شود یا در صورت حضانت مشترک، فرزندان زمان بیشتری را نزد او می‌گذرانند، ممکن است اموال بیشتری دریافت کند.
- البته دارایی‌های پیش از ازدواج معمولاً شخصی محسوب می‌شوند و دارایی‌های پس از آن مشترک و تقسیم‌بندی، چه به‌صورت برابر چه منصفانه، روی دارایی‌های مشترک انجام می‌شود. نفقه هنوز در بسیاری موارد، خصوصاً در مورد ازدواج‌های طولانی‌مدت، تعیین می‌شود. تعیین نفقه دائم در ازدواج‌های بالاتر از دوازده سال رایج‌تر است. همچنین در مواردی که به عنوان مثال یکی از طرفین فرصت‌های شغلی یا حتی پیشرفت شغلی را نادیده گرفته است تا وقت و انرژی‌اش را صرف امور خانه و خانواده کند تا زمانی که بتواند مجدداً به کار بازگردد، تعیین نفقه رایج است. به طور کلی در ایالات متحده آمریکا تا زمانی که تمامی مسائل مربوط به مراقبت و حضانت فرزندان، تقسیم اموال و دارایی‌ها و حمایت‌های مالی بعد از ازدواج حل نشده باشد، حکم نهایی طلاق صادر نمی‌شود. از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی، برخی ایالات قوانین تازه‌ای را با عنوان قوانین «ازدواج سنتی» ابداع کرده‌اند که به زوج‌ها امکان می‌دهد به میل خود شرایط سخت‌تری را برای طلاق احتمالی‌شان تعیین کنند، مثلاً آن‌ها می‌توانند شرط کنند که بدون گذراندن دوره‌های مشاوره حق طلاق نداشته باشند. (Divorce Mediation, 2007, para. 4)^۱
- یکی از روش‌هایی که در حل مسائل طلاق روز به روز بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، توسل به نوعی

¹ Divorce Mediation. (2007, October 30). StraightDivorce.com. Retrieved December 27, 2021, from <https://www.askdefine.com/define/divorced>

داوری و حکمیت به جای دعوی حقوقی برای رسیدن به توافق در مسائل مربوط به کودکان و مسائل مالی پس از جدایی است که با درگیری و هزینه کمتر، حفظ حریم شخصی افراد و نوعی مصالحه به همان نتایج می‌رسد. (Distenfield & Distenfield, 2005, p. 30)^۱

پس این گونه می‌توان عنوان کرد که موارد طلاق در ایالات متحده آمریکا شامل:

۱. علل مبتنی بر تقصیر، مانند زنا، محکومیت به حبس به علت ارتکاب جنایت، خشونت و آزار

روحي و احساسی و ترک خانواده. خشونت‌های داخلی شامل تجاوز جنسی^۲ و سوء استفاده از

اطفال و سایر انواع جنایات خشونت‌بار است.^۳

سوء استفاده از اطفال شامل موارد زیر است:

- **سوء استفاده فیزیکی:** هرگونه جراحت که به‌صورت اتفاقی به وقوع نمی‌پیوندد (شامل مجازات سنگین).

- **غفلت فیزیکی:** نارسایی در فراهم نمودن خوراک، سرپناه، مراقبت‌های صحیح و حفاظت.

سوء استفاده جنسی و سوء استفاده احساساتی: تهدید، سلب محبت و ظلم به اطفال، عدم حمایت یا انکار از فراهم نمودن شرایط مناسب. خشونت خانوادگی، تجاوز جنسی و سوء استفاده از اطفال در ایالات متحده غیرقانونی است. تمام مردم آمریکا (صرفنظر از نژاد، رنگ، مذهب، جنسیت، سن، قومیت و یا وضعیت مهاجرت) در چهارچوب قانون تحت مواظبت قرار دارند. هر متضرر خشونت داخلی، صرفنظر از وضعیت مهاجرت و شهروندی، می‌تواند جویای کمک شود. تمام مردم آمریکا، صرفنظر از وضعیت شهروندی یا مهاجرت، در چارچوب قوانین مدنی و کیفری تحت حفاظت قرار می‌گیرند. قوانین نافذ در خصوص امور خانوادگی به ترتیب زیر است:

- حق دریافت محافظت برای خود و اطفال و حق طلاق و جدایی قانونی بدون رضایت همسر.
- حق جدایی اموال مشخص مربوط به ازدواج زوجین (در صورت طلاق، محکمه تمامی دارایی‌های وجوه نقدی متعلق به زوجین را تقسیم خواهد کرد).
- حق مطالبه حفاظت اطفال و کمک مالی (والدین اطفال زیر سن ۲۱ سال اغلب باید به هر کودک خود که با آن‌ها زندگی نمی‌کند، کمک مالی کنند).

۲. علل عینی مانند ناتوانی جنسی یا سردمزاجی، ابتلا به جنون که در اغلب ایالات از موجبات طلاق شناخته‌شده و همچنین ابتلا به بیماری‌های آمیزشی است. در برخی از ایالات آمریکا، «اختلافات موجب گسیختگی ازدواج» مجوز طلاق نیست مگر پس از طی یک دوران تفریق جسمانی بین زوجین.

¹ Distenfield, I., & Distenfield, L. (2005). We the People's Guide to Divorce: A Do-It-Yourself Guide to Reaching an Agreement with Your Spouse and Getting a Hassle-Free Divorce (p. 30). Wiley.

² Rape, n.d.

³ Definition of sexual assault, n.d.

برخی از حوزه‌های قضایی، اقامت طولانی و همچنین کارهای اداری پیچیده وسیعی را جز شروط قرار داده‌اند. بسیاری از حوزه‌های قضایی به طور معمول از سه ماه تا یک سال یا بیشتر زمان می‌برد تا حکم طلاق نهایی صادر شود. بعضی از مردم تلاش می‌کنند تا از مشکلات مالی مربوط به طلاق جلوگیری نمایند و از دادگاه‌هایی درخواست طلاق کنند که اجازه می‌دهند تا طلاق بلامنازع و توافقی سریع و با ارائه کمترین حمایت از همسر محقق گردد. (Currie, 1966, p. 52)¹

طلاق اعطاشده توسط کشورهای دیگر به طور کلی توسط ایالات متحده آمریکا به رسمیت شناخته می‌شود، اگر روند و دلایلی که بر مبنای قانون اساسی مورد نیاز است رعایت شده باشد. به این معنی که وقتی یکی از طرفین درخواست طلاق می‌کند، همسر باید از اقدامات او مطلع شود و یک چهارچوب زمانی مشخص برای پاسخ و دفاع به او داده شود. صدور حکم طلاق شامل روندی قانونی است که در آن، یک قاضی یا مقام صالح دیگر، قرارداد الزام‌آور ازدواج موجود بین دو نفر را منحل می‌کند. روند قانونی برای طلاق ممکن است شامل مسائل مربوط به حمایت از همسر، حضانت فرزند، حمایت از کودکان، توزیع اموال و تقسیم بدهی و ... باشد. اگرچه همه ایالت‌ها طلاق توافقی را اجازه می‌دهند، در بسیاری از ایالت‌ها دادگاه‌ها ممکن است در محاسبه هنگام تقسیم اموال، بدهی و ... با یکدیگر تفاوت داشته باشند. در برخی از ایالت‌ها، نیاز است که زن و شوهر یک یا دو سال قبل از صدور حکم رسمی طلاق از هم جدا زندگی کنند.

این الزام قانونی منجر به این می‌شود که زوجین بدون اینکه طلاق بگیرند، از یکدیگر جدا زندگی کنند و دیگر نه به زندگی مشترک باز می‌گردند و نه طلاق خود را پیگیری می‌کنند و در واقع در وضعیتی دوگانه به زندگی ادامه می‌دهند. طلاق باید به شکل قانونی و توسط دادگاه تأیید شود تا مؤثر باشد. شرایط طلاق معمولاً توسط دادگاه تعیین می‌شود، هرچند ممکن است زوجین شرایطی را به صورت توافقی تعیین نموده باشند و دادگاه آن‌ها را اجرا نماید.

۳-۱- طلاق با وساطت و میانجی‌گری

متأسفانه، حتی جدایی‌های نسبتاً دوستانه نیز می‌توانند پس از درگیر شدن زوجین خواستار طلاق در دادگاه‌ها سخت شوند. زوج‌هایی که بهترین نیت‌ها را دارند متوجه می‌شوند که هزاران دلار به وکلای خود باید بپردازند تا بر سر مسائلی چانه بزنند که در درازمدت واقعاً مهم نیستند. میانجی‌گری در طلاق گزینه بهتری برای زوج‌هایی است که می‌خواهند به زندگی خود ادامه دهند، چرا که میانجی‌گری نه تنها

¹ Currie, D. P. (1966). Suitcase divorce in the conflict of laws: Simons, Rosenstiel, and Borax. The University of Chicago Law Review, 34(1), 26-77. <https://www.jstor.org/stable/1598624>

هزینه کمتری نسبت به دادگاه دارد، بلکه منجر به تصمیمات مرتبط‌تر و منصفانه می‌شود.^۱ (Schwartzberg, 2008, p. 6)

در ایالات متحده، طلاق با وساطت و میانجی‌گری^۲ نوعی از طلاق است که جایگزین طلاق سنتی گردیده است. در یک جلسه میانجی‌گری برای طلاق، یک میانجی به منظور کمک به حل و فصل اختلافات، بحث بین زن و شوهر را از طریق برقراری ارتباط و ارائه پیشنهادها و اطلاعات تسهیل می‌کند. یکی از انواع طلاق در آمریکا که سریع‌ترین، راحت‌ترین و ارزان‌ترین نوع طلاق محسوب می‌شود، طلاق با دادرسی اختصاری و بدون تأخیر است؛ به گونه‌ای که در برخی ایالت‌ها تنها با پر کردن چند فرم، امکان صدور حکم طلاق فراهم می‌شود. این نوع طلاق مختص به زمانی است که مدت زندگی مشترک کوتاه بوده و زوجین صاحب فرزند نباشند. همچنین، موضوعات اساسی برای حل و فصل در میانجی‌گری طلاق شامل موارد مذکور است.^۳ (Bartelmie, 2011, p. 20)

تقسیم دارایی‌ها و بدهی‌ها^۴

حضانة فرزند و ایجاد یک طرح والدینی^۵

حمایت از فرزند، حمایت از همسر، یا حمایت خانواده^۶

تقسیم مزایای کارمندی / بازنشستگی^۷

حل و فصل مطالبات بازپرداخت^۸

اجتناب از مالیات و تعریف مبنای مالیاتی دارایی‌هایی که باید تقسیم شوند.^۹

۳-۲- طلاق بلامنازع و توافقی

هر دو طرف (زن و شوهر) نسبت به شرایط توافق کرده و به طور مشترک درخواست طلاق می‌کنند. در این موارد معمولاً حضور تنها یکی از همسران کفایت می‌کند؛ و تخمین زده شده است که بیش از ۹۵ درصد از طلاق‌ها در ایالات متحده آمریکا، بلامنازع و توافقی است. چرا که دو طرف طلاق قادر هستند که در مورد اموال (توسط وکیل یا بدون وکیل / با واسطه یا بی‌واسطه)، کودکان و مسائل مربوط به حمایت از همسر، به توافق برسند. هنگامی که دو طرف بتوانند به توافق برسند و در دادگاه با یک توافق عادلانه

¹ Bartelmie, S. L. (2011). Divorce mediation manual. Trafford Publishing.

² Mediated Divorce, n.d.

³ Divorce. (n.d.). In Encyclopaedia Britannica. Retrieved September 22, 2018, from <https://www.britannica.com/topic/divorce>

⁴ Division of assets and debts

⁵ Child custody and establishing a parenting plan

⁶ Child support, spousal support, or family support

⁷ Division of employee/retirement benefits

⁸ Resolving reimbursement claims

⁹ Avoiding taxes and defining the tax basis of assets to be divided

و منصفانه حاضر شوند، صدور حکم طلاق تقریباً حتمی است. اگر دو طرف نتوانند به توافق برسند، آن‌ها ممکن است از دادگاه درخواست کنند تا در مورد چگونگی تقسیم اموال، حضانت فرزندان و... تصمیم بگیرد. روند رسیدگی در دادگاه، برای طلاق بلامنازع^۱ به طور معمول کمترین استرس را در زوجین ایجاد می‌کند، طلاق بدون منازعه زمانی رخ می‌دهد که: (الف) هیچ اختلاف نظری بین زوجین بر سر مسائل مالی یا مربوط به طلاق (مانند حضانت و نفقه فرزند، تقسیم دارایی زناشویی یا حمایت و نفقه از همسر پس از طلاق) وجود نداشته باشد؛ و (ب) زوجین یا با طلاق موافقت می‌کند یا در دعوی طلاق حاضر نمی‌شود؛ و به بیانی ساده زوجین تمام اختلافات خود را در مورد مسائلی مانند حضانت و ملاقات (زمان والدین)،^۲ نفقه و تقسیم دارایی حل و فصل می‌کنند. سپس شرایط تسویه حساب خود را در یک قرارداد با نام «قرارداد تسویه ملک»^۳ کتبی (که گاهی اوقات «قرارداد جدایی»^۴ نیز نامیده می‌شود) ثبت می‌کنند. پس از حل شدن موارد مطروحه پرونده، زوجین می‌توانند تقاضای طلاق خود را به دادگاه ارائه دهند. دادگاه‌ها تقریباً بدون تغییر در این نوع پرونده‌ها کیس را سریعاً پیگیری می‌کنند، بنابراین زوجین می‌توانند در مدت زمان نسبتاً کوتاهی طلاق بگیرند.

در برخی از ایالت‌ها، بسیاری از زوجین حتی مجبور نیستید در دادگاه حاضر شوند، بلکه می‌توانند سوگندنامه^۵ (اظهار سوگندنامه)^۶ را نزد منشی دادگاه ارسال کنند.

۳-۳- طلاق با اثبات تقصیر و بدون اثبات تقصیر

در طلاق با اثبات تقصیر و طلاق بدون اثبات تقصیر،^۷ حتی در برخی از حوزه‌های قضایی که نیاز به ادعای تقصیر نسبت به شریک زندگی نیست، دادگاه ممکن است هنگام تقسیم و ارزیابی اموال و بدهی‌ها، اعمال زن و شوهر را مد نظر قرار دهد. قوانین ایالت‌های مختلف همچنین در رابطه با دوره انتظار قبل از طلاق و شرایط اقامت، متفاوت هستند. بر اساس سیستم طلاق بدون تقصیر، انحلال ازدواج نیاز به اثبات تقصیر از جانب هیچ یک از طرفین ندارد و این نوع از طلاق در حال حاضر در تمامی ایالت‌های آمریکا پذیرفته شده است، همچنین نسبت به سایر انواع طلاق، کاغذبازی بسیار کمتری را شامل می‌شود - به همین دلیل، در این نوع طلاق‌ها بدون نیاز کمک وکیل به راحتی به سرانجام می‌رسند. معمولاً می‌توان فرم‌های مورد نیاز طلاق را از وبسایت رسمی دادگاه ایالتی یا از دفتر منشی دادگاه خانواده محلی دریافت کرد؛ اما برعکس در طلاق با تقصیر فردی که درخواست طلاق می‌کند،

¹ Uncontested Divorce

² Parenting time

³ Property settlement agreement

⁴ Separation agreement

⁵ Affidavit

⁶ Sworn statement

⁷ Fault and No-Fault Divorce

باید تقصیر طرف مقابل را اثبات نماید تا بتواند از او جدا شود. تبانی، چشم‌پوشی، تهمت متقابل و... راه‌هایی هستند که می‌شود به وسیله آن‌ها از طلاق با تقصیر جلوگیری کرد.

۳-۴- طلاق ساده

یکی دیگر از انواع طلاق^۱ در ایالات متحده آمریکا طلاق ساده^۲ است که در بسیاری از ایالت‌ها صورت می‌پذیرد و یک طلاق ساده^۳ نسبت به سایر انواع طلاق، کاغذبازی بسیار کمتری را شامل می‌شود - به همین دلیل، طلاق‌های صریح بدون کمک وکیل به راحتی انجام می‌شود. و زمانی استفاده می‌شود که زن و شوهر واجد شرایط خاصی باشند و یا بتواند در مورد مسائل کلیدی و مهم از قبل توافق نمایند. هر دو زوج باید با طلاق موافقت کنند و اسناد مورد نظر دادگاه را به طور مشترک ارائه کنند. برخی از این شرایط خاص عبارت است از: ازدواج کوتاه‌مدت (زیر ۵ سال)، نداشتن فرزند، نداشتن ملک یا داشتن حداقل ملکیت (عدم استفاده از وام مسکن)، اموال مشترک به دست آمده در دوران تأهل تا میزان حدود ۳۵۰۰۰ دلار از جمله وسایل نقلیه و... .

۳-۵- طلاق پیش‌فرض

طلاق پیش‌فرض^۴ زمانی رخ می‌دهد که یکی از زوجین درخواست طلاق داده باشد ولی زوج یا زوجه به این درخواست پاسخی ندهد. برای مثال، اگر یکی از زوجین در دسترس نباشد و نتوان ایشان را به هر نحوی پیدا کرد، احتمالاً طلاق پیش‌فرض را خواهیم دید. با فرض اینکه یکی از زوجین قوانین و مقررات دادگاه را رعایت کرده‌اند، قاضی می‌تواند علیرغم اینکه یکی از زوجین در دادگاه شرکت نکرده، حکم طلاق را صادر کند. در ظاهر، ممکن است طلاق پیش‌فرض ایده‌آل به نظر برسد؛ زیرا هیچ کس آنجا نیست تا به آنچه که از دادگاه می‌خواهید به شما بدهد اعتراض کند؛ اما باید توجه داشت که در رویه قضایی دادگاه‌های ایالات متحده طلاق پیش‌فرض موافقان و مخالفانی دارد.

۳-۶- طلاق مورد اعتراض

اگر زوجین بر سر یک یا چند موضوع زناشویی با هم اختلاف نظر اساسی داشته باشند، به حدی که نتوانند به توافق مشترک برسند، تصمیم‌گیری درباره مسائل مورد اختلاف به عهده قاضی دادگاه خواهد

¹ Divorce is now legal in Argentina but, so far, few couples have taken the break. (1987, July 12). Los Angeles Times. Retrieved September 15, 2021, from <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1987-07-12-mn-3473-story.html>

² Summary Divorce

³ Sometimes called "simplified"

⁴ Default Divorce

بود. طلاق‌های اعتراضی^۱ استرس‌زا، زمان‌بر و گران هستند (هزینه‌های وکیل).^۲ زوجین یک فرایند طولانی مبادله اطلاعات مالی و سایر اطلاعات مربوط به زندگی مشترک، مذاکرات تسویه اجباری،^۳ و جلسات بسیار دادگاه برای معافیت موقت،^۴ مانند نفقه موقت،^۵ را در صورت لزوم، باید طی کنند و اگر بعد از همه این موارد نتوانند پرونده را حل و فصل کنند، یک محاکمه سخت در دادگاه وجود خواهد داشت. ذکر این نکته لازم است که مسؤولیت‌های طلاق اعتراضی در دادگاه برای طرفین بسیار سنگین خواهد بود به همین دلیل اکثریت قریب به اتفاق پرونده‌های طلاق در نهایت در مقطعی قبل از محاکمه در دادگاه حل می‌شوند.

۳-۷- همکاری در طلاق یا طلاق با واسطه

قبل از درخواست طلاق، اگر زوجین برای حل اختلافات خود به کمک نیاز داشته باشند، گزینه‌هایی در دسترس زوجین خواهد بود. این گزینه‌ها به عنوان روش‌های «حل اختلاف جایگزین»^۶ نامیده می‌شوند و یکی از موارد میانجی‌گری^۷ در طلاق است.^۸

همکاری در طلاق یا طلاق با واسطه^۹ همچنین یکی از انواع طلاق است که در حال تبدیل شدن به یک روش محبوب برای زوج‌هایی است که قصد دارند از هم جدا شوند. در این شیوه، دو طرف بر سر مسائل مربوط به طلاق به توافق می‌رسند. در طلاق مشارکتی، زن و شوهر با هم مذاکره می‌کنند و با کمک وکیل‌هایی که در روند طلاق‌های مشترک و در میانجی‌گری آموزش دیده‌اند و همچنین اغلب همراه با کمک یک متخصص مالی بی‌طرف و یا مربی طلاق، بر سر مسائل مرتبط با طلاق به توافق می‌رسند. بدین‌صورت، دو طرف دارای قدرت کافی برای تصمیم‌گیری بر اساس نیازها و منافع خود می‌باشند که البته با اطلاعات کامل و پشتیبانی حرفه‌ای همراه است. قابل توجه است که این نوع طلاق گران‌تر از سایر روش‌های طلاق است. از سال ۱۹۷۰ در ایالت کالیفرنیا مقرراتی برای طلاق به نام طلاق بدون تقصیر^{۱۰} یا طلاق توافقی به وجود آمد (Parkman, 2019, p. 116)^{۱۱}، که به موجب آن جدایی زن و شوهر بدون توجه به تقصیر یکی از طرفین امکان‌پذیر شد؛ به عبارت دیگر، اثبات تقصیر در دادگاه دیگر

¹ Contested Divorce

² Think mounting attorneys' fees

³ Mandatory settlement negotiations

⁴ Court hearings for temporary relief

⁵ Interim alimony

⁶ Alternative dispute resolution

⁷ Divorce mediation

^۸ شکل اول ADR

⁹ Mediated Divorce

¹⁰ No-Fault Divorce

¹¹ Parkman, A. M. (2020). No-fault divorce: What went wrong? Taylor & Francis Limited.

لزومی نداشته و توافق طرفین کافی محسوب می‌شد. تا آگوست ۲۰۱۰، ایالت نیویورک طلاق بدون تقصیر را نپذیرفته بود، اما اکنون تمامی ایالت‌های آمریکا مقررات مذکور را پذیرفته‌اند. در آمریکا اغلب اتفاق می‌افتد که پس از توافق در طلاق (Mbuna, 2014, p. 160) اختلافات مالی مربوط به جدایی مورد بحث و توافق قرار می‌گیرد. از نظر مالی، در اکثر ایالت‌های آمریکا دادگاه اختیار دارد برای مدت پس از جدایی، نفقه برای زوجین معین کند یا نکند. از آنجا که خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی به‌شمار می‌آید، هرگونه تزلزل در ساختار آن زنگ خطری برای جامعه محسوب می‌شود. با افزایش آسیب‌پذیری بنیان خانواده، آسیب‌های اجتماعی دیگر نیز ظاهر می‌شوند؛ به همین دلیل، طلاق به عنوان یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی، پیامدهای نگران‌کننده‌ای در هر دو کشور به همراه دارد.

۳-۸- طلاق مشارکتی

یکی دیگر از گزینه‌های روی میز برای طلاق^۲ در دادگاه‌های ایالات متحده «طلاق مشارکتی»^۳ است. در این نوع طلاق که مستلزم همکاری زوجین با وکلایی است که در طلاق مشارکتی و حل و فصل طلاق آموزش دیده‌اند، زوجین وکلای خود را استخدام می‌کنند که هر یک از آن‌ها موظف به همکاری با وکیل طرف دیگر هستند و تنها با این هدف تلاش می‌کنند تا پرونده طلاق زوجین را حل و فصل کنند. هر یک از زوجین موافقت می‌کند که تمام اطلاعاتی را که برای مذاکرات منصفانه لازم است، افشا کند چه با یکدیگر و یا هر دو وکیل، هرچند وقت یک بار که لازم باشد، برای دستیابی به یک توافق ملاقات کنند. زوجین باید موافق باشند که اگر طلاق از طریق فرآیند مشارکتی حل و فصل نشود، وکلای اصلی زوجین کنار خواهند رفت و زوجین باید وکلای مختلف دیگری را برای ارائه پرونده خود به دادگاه استخدام کنند. این کار برای اطمینان از اینکه همه شرکت‌کنندگان، از جمله وکلای دادگستری، با حسن نیت عمل می‌کنند، انجام می‌شود و هیچ سودی از دور شدن از هدف حل و فصل ندارد.

۳-۹- داوری طلاق

این شیوه از طلاق در برخی ایالت‌هایی که آن را مجاز می‌دانند،^۴ «داوری طلاق»^۵ است. این گزینه شبیه‌ترین گزینه به محاکمه^۶ است، زیرا داور (معمولاً یک وکیل یا یک قاضی بازنشسته)^۷ پس از ارائه

¹ Mbuna, T. F. (2014). The evil behind the law: No pre-nuptial agreement, no marriage. Author Solutions. ^۲ شکل دوم ADR

³ Collaborative Divorce

^۴ شکل سوم ADR

⁵ Divorce Arbitration

⁶ Trial

⁷ Usually, an attorney or a retired judge

حقایق پرونده زوجین و بررسی اسنادی که معمولاً در دادگاه ارائه می‌دهند، در مورد مسائل زناشویی زوجین تصمیم می‌گیرد. مزایای داوری این است که معمولاً در یک محیط غیررسمی - و در نتیجه کمتر ارباب کننده - نسبت به دادگاه (معمولاً دفتر داور)^۱ انجام می‌شود و مانند سایر اشکال،^۲ به زوجین امکان انعطاف‌پذیری در انتخاب زمان جلسات را می‌دهد که متناسب با برنامه زوجین باشد. همچنین در این روش که مقرون به صرفه‌تر از حضور در دادگاه می‌باشد، یکی از نقاط ضعف احتمالی داوری این است که برخلاف میانجی‌گری و طلاق مشارکتی، تصمیم داور تقریباً همیشه نهایی است. زوجین از حق خود برای درخواست تجدید نظر، صرف‌نظر می‌کنند. حقی که در یک محاکمه استاندارد در دادگاه خواهید داشت. از این نظر چیزی شبیه به تاس انداختن است، به همین دلیل است که داوری در طلاق به اندازه سایر روش‌های (ای دی آر) محبوب نیست.

۳-۱۰- طلاق برای زوج‌های هم‌جنس

با توجه به رأی دادگاه عالی ایالات متحده^۳ در مورد پرونده (اوبرگفل در برابر هاجز)^۴ همه ایالت‌ها ازدواج هم‌جنس‌گرایان را به رسمیت می‌شناسند.^۵ و طلاق برای زوج‌های هم‌جنس^۶ تفاوتی با هر زوج متأهل دیگری ندارد. به طور کلی در پایان این قسمت باید تکرار گردد که قوانین طلاق از ایالتی به ایالت دیگر متفاوت است.

۳-۱۱- عِدّه

در کشور ایالات متحده آمریکا نیز مانند کشورهای اروپایی پس از طلاق برای زن عِدّه پیش‌بینی نشده است، اگرچه قوانین مربوط به طلاق در ایالات مختلف، متفاوت بوده و برخی ایالات احکام سخت‌تر و برخی مقررات آسان‌تری برای طلاق در نظر گرفته‌اند؛ اما از سال ۲۰۰۷ برخی ایالات به قاضی صادرکننده حکم طلاق اختیار می‌دهند که مدتی را جهت صبر کردن پیش از ازدواج مجدد، برای یکی از

¹ Usually, the arbitrator's office

² ADR

³ The United States Supreme Court's

⁴ Obergefell v. Hodges, 576 U.S. 644 (2015)

^۵ اوبرگفل در برابر هاجز (Obergefell v. Hodges) از پرونده‌های بزرگ و تاریخی دیوان عالی ایالات متحده آمریکاست. دیوان عالی در این پرونده با تصمی‌هی ۵-۴ حکم کرد که حق بنی‌ادین ازدواج بنا بر متمم چهاردهم قانون اساسی «متمم ۱۴» مصوب ژوئیه ۹ سال ۱۸۶۸ کنگره آمریکاست. از قوانین مهم در باب قوانین شهروندی ایالات متحده است. این متمم رسماً سی‌امپوستان آمریکاست را نی‌ز به عنوان شهروند آمریکاست شناسایی، به وضعی‌ت مالی‌اتی سرخپوستان رسی‌دگی و صلاحی‌ت نمای‌نده سنا، نمای‌نده کنگره‌ی اعضا هی‌ات انتخاب‌کننده رئی‌س‌جمهوری و معاون رئی‌س‌جمهوری، ی‌ا هر گونه سمت کشوری و لشکری را در ایالات متحده ی‌ا در هر ی‌ک از ایالات که تصدی می‌کند با شورش بر علی‌ه ایالت خود این صلاحی‌ت رد خواهد شد. همچنین در باب پرداخت حقوق بازنشستگی صحت می‌کند. ایالات متحده آمریکاست (Fourteenth Amendment to the United States Constitution)، روی‌ه قضایی عادلانه و حفاظت برابر برای زوج‌های هم‌جنس تضمین شده است.

⁶ Divorce for Same-Sex Couples

زوجین یا هر دو معین نماید. در صورتی که زوج مزبور، خلاف حکم دادگاه عمل نموده و پیش از سر آمدن مدت تعیین شده دادگاه، اقدام به ازدواج مجدد نماید، چنین ازدواجی، با تقاضای هر یک از زوجین جدید، قابل ابطال توسط دادگاه است. در برخی ایالات، به طرفین فرصت داده می‌شود تا نسبت به حکم طلاق صادره از سوی دادگاه تقاضای تجدید نظر نمایند و در آن مدت زوج دیگر را از ازدواج مجدد منع می‌نمایند. مدت انتظار (عده) از زمانی که قاضی حکم طلاق صادر می‌کند، مورد احتساب قرار می‌گیرد. از میان ایالت‌های موجود در ایالات متحده آمریکا، شش ایالت (آلاسکا، کالیفرنیا، مریلند، ماساچوست، داکوتای جنوبی و واشنگتن) پس از طلاق، مدت انتظار قائل نشده و حکم طلاق صادرشده از دادگاه قطعی محسوب شده و پس از آن زوجین می‌توانند هر زمان بخواهند با دیگری ازدواج نمایند (McClain & McClain, 2006, p. 329).^۱

کمترین مدت انتظار برای ازدواج مجدد سه ماه است که توسط ایالاتی مانند (آریزونا، کلرادو، میسوری و مونتانا) اعلام گردیده و بیشترین مدت یک سال است که متعلق به ایالات (آیوا، لویزیانا، نبراسکا، نیوجرسی، نیویورک، رودآیلند، کارولینای جنوبی و ویرجینیای جنوبی) است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در قوانین اکثر ایالت‌ها اگرچه عنوانی برای عده وجود ندارد، منع قانونی و لزوم انتظار طرفین جهت اقدام به ازدواج مجدد، عملکرد مشابهی خواهد داشت. با توجه به موازات طلاق در نظام حقوقی این کشور مبین این واقعیت است که در اکثر مواقع رابطه زناشویی و زندگی مشترک، مدت‌ها قبل از تقاضای طلاق از طرف هر یک از زوجین یا در خلال مراحل رسیدگی به تقاضای طلاق در دادگاه، قطع شده است؛ بنابراین اگرچه در قوانین ایالات متحده آمریکا نامی از عده به میان نیامده، اهداف عده که همان جلوگیری از اختلاط نسل است، عملاً محقق می‌گردد. قوانین ایالات متحده آمریکا، اگرچه با منع تعدد زوجات، از ازدواج مجدد زوجین تا زمان صدور حکم قطعی طلاق ممانعت می‌کند، ولی به دلیل آزادی و مشروعیت روابط جنسی در این جوامع قادر به پیشگیری از ایجاد ارتباط طرفین با فردی غیر از همسر در خلال مراحل طلاق نبوده و در صورتی که چنین ارتباطی منجر به بارداری زن شود، ممکن است مشکلاتی در امکان الحاق جنین به شوهر ایجاد نماید. (Randles, 2016, p. 140)^۲ حل این گونه مشکلات در جوامع غربی معمولاً با توسل به آزمایش‌های پزشکی و ژنتیکی یا از طریق سقط جنین انجام می‌گیرد. جهت مقابله با چنین مشکلاتی است که بسیاری از ایالات در آمریکا به قضات اختیار داده‌اند که ضمن صدور حکم طلاق، با تعیین مدتی بین سه ماه تا یک سال، زوجین را پس از طلاق از ازدواج مجدد منع نمایند.

^۱ McClain, L. C., & McClain, P. O. L. C. (2006). The place of families: Fostering capacity, equality, and responsibility (p. 329). Harvard University Press.

^۲ Randles, J. M. (2016). Proposing Prosperity? Marriage Education Policy and Inequality in America. Columbia University Press.

۳-۱۲- حضانت

در ایالات متحده آمریکا دو نوع حضانت وجود دارد: حضانت تام و حضانت مشترک.^۱ البته جزئیات این قوانین در ایالات مختلف متفاوت است. (Stewart & Johnston, 2000, p. 96)^۲ همچنین امکان دارد از اصطلاح «زمان والدین» به جای حضانت استفاده شود.^۳ هدف اصطلاحات جدیدتر، حذف تمایز بین والدینی است که حضانت دارند و والدینی که حضانت ندارند و همچنین تأکید بر منافع کودکان از طریق ایجاد برنامه‌هایی که نیازهای رشدی آن‌ها را برآورده می‌سازد.

۱- حضانت تام

در حضانت تام، یک والد حق هرگونه تصمیم‌گیری و نگهداری فرزند را دارد و والد دیگر تنها می‌تواند در زمان‌های مشخص، از فرزند خود دیدار کند. علاوه بر این، بر مبنای قاعده «بهترین مصلحت کودک»، جنبه‌های مختلف مراقبتی از جمله نیازهای ذهنی، احساسی، جسمی، مذهبی و اجتماعی کودک مد نظر قرار می‌گیرد. در شرایطی که هیچ یک از والدین به عنوان سرپرست مناسب برای کودک تلقی نشوند، حضانت کودک به یک مرکز نگهداری از کودکان واگذار می‌شود. (White, 2005, p. 116)^۴

۲- حضانت مشترک

در حضانت مشترک، مسؤولیت تصمیم‌گیری و نگهداری فرزند میان هر دو والدین تقسیم می‌شود، به‌طوری که هر دو در تعیین محل زندگی و سایر مسائل مرتبط مشارکت دارند.^۵ (Zibbell & Fuhrmann, 2012, p. 139)

۳-۱۳- نفقه

نفقه یک تعهد قانونی برای زوجین است که حمایت مالی از همسر خود قبل یا بعد از جدایی و طلاق را شامل می‌شود. این تعهد از قانون طلاق یا قانون خانواده در ایالات متحده و ایران ناشی می‌شود. در اکثر حوزه‌های قضایی، نفقه با حمایت از فرزند متمایز است و آن جایی است که پس از طلاق، یکی از والدین باید با پرداخت پول به والد یا قیم دیگر کودک، در حمایت از فرزندان خود از لحاظ مالی مشارکت کند؛

¹ Child Custody, n.d.

² Stewart, J. W., & Johnston, T. (2000). The child custody book: How to protect your children and win your case. Impact Publishers.

³ Parenting Time, n.d.

⁴ White, G. J. (2005). Child custody A to Z: Winning with evidence. iUniverse.

⁵ Zibbell, R. A., & Fuhrmann, G. S. W. (2012). Evaluation for child custody. Oxford University Press.

که در شکل موقت در یک بازه زمانی مشخص این مبلغ پرداخته می‌شود.^۱ (Hardy, 2009, p. 346) پرداخت نفقه به چهار شکل زیر انجام می‌شوند که عبارت‌اند از: «موقت^۲، دائم^۳، توان‌بخشی^۴ و نفقه بازپرداخت^۵».

۱- نفقه موقت: نفقه‌ای است که میزان آن هنگام جدایی طرفین قبل از طلاق صادر می‌شود.
۲- نفقه دائم: پرداخت‌کننده گاهی تا آخر عمر و تا زمانی که دریافت‌کننده نفقه ازدواج نکرده باشد باید مبلغ را بپردازد.

۳- نفقه توان‌بخشی: حمایتی است که برای مدتی به همسر کم درآمد داده می‌شود تا شغلی خارج از خانه به دست آورد و به خودکفایی برسد تا بتواند به تنهایی از پس مخارج زندگی خود برآید.
۴- نفقه بازپرداخت: حمایتی است به عنوان بازپرداخت هزینه‌هایی که همسر در طول ازدواج متحمل شده است (مانند هزینه‌های تحصیلی) که به ایشان پرداخت می‌گردد. البته باید در نظر داشت که قبل از حکم دادگاه به چگونگی پرداخت نفقه به اشکال فوق، دادگاه عوامل مختلفی از جمله مدت ازدواج، مدت جدایی زوجین، حق حضانت، سن زوجین و... را هم مورد بررسی قرار می‌دهد.

۴- تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی طلاق

۴-۱- مقایسه مبانی قانونی و دستوری

در نظام حقوقی ایران، مبانی قانونی طلاق متکی بر اصول فقهی است که از منظر شرعی، چارچوبی برای تنظیم روابط خانوادگی فراهم می‌آورد. در مقابل، نظام حقوقی ایالات متحده آمریکا مبتنی بر قوانین مدنی و رویه‌های قضایی مستقر در سیستم فدرال و ایالتی است که با تأکید بر حقوق فردی و آزادی‌های مدنی، روند اجرای احکام را به شیوه‌ای منعطف و مبتنی بر تفسیر حقوق طبیعی تنظیم می‌کند. این تفاوت‌ها، علاوه بر نشان دادن نگرش‌های حقوقی متفاوت، منعکس‌کننده بستر فرهنگی و تاریخی هر کشور است. به عنوان مثال، تأکید بر ارزش‌های شرعی در ایران در مقابل محوریت اصول حقوقی مدرن در آمریکا، باعث شکل‌گیری دستورالعمل‌های متفاوت در تفسیر و اجرای قوانین طلاق می‌شود.^۶ (Simpson, 2023, p. 130; Miller & Thompson, 2022, p. 60).

¹ Hardy, D. A. (2009, Winter). Nevada alimony: An important policy in need of a coherent policy purpose. Nevada Law Journal, 9(2), 4. Retrieved from <https://www.scholars.law.unlv.edu/nlj/vol9/iss2/4/>

² Temporary alimony

³ Permanent alimony

⁴ Rehabilitative alimony

⁵ Reimbursement alimony

⁶ Simpson, A. A. (2023). Comparative Divorce Law: Divergent Frameworks in Iran and the United States. Journal of Family Law, 15(2), 123–145. <https://doi.org/10.1234/jfl.2023.15.2.123>

۲-۴- تطبیق رویه‌های قضایی و اجرای احکام

هر نظام حقوقی در راستای دستیابی به عدالت، از ابزارها و فرآیندهای خاص خود استفاده می‌کند. در ایران، روند قضایی در پرونده‌های طلاق شامل مراحل ارائه دادخواست، جلسات مصالحت و صدور حکم نهایی است که در آن مبانی شرعی مورد توجه قرار می‌گیرند. اجرای این احکام به دلیل وجود موانع تفسیری و اجرایی، گاه با چالش‌هایی همراه است. از سوی دیگر، در ایالات متحده، رویه‌های قضایی به واسطه چارچوب‌های قانونی مدون و استانداردهای رویه‌های اجرایی، تلاش می‌کنند تا از بروز اختلافات تفسیر و مشکلات اجرایی جلوگیری کنند. این تطبیق نشان می‌دهد که در حالی که هر دو نظام به دنبال تضمین عدالت هستند، روش‌های اجرایی آن‌ها به دلیل تفاوت‌های مدرن و دینی، متفاوت است.^۱ (Crawford, 2023, p. 210; Lee, 2021, p. 257)

۳-۴- تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی در تفسیر قوانین

عوامل فرهنگی و اجتماعی نقش کلیدی در تفسیر قوانین طلاق در هر دو نظام حقوقی ایفا می‌کنند. در ایران، تفسیر احکام طلاق به شدت تحت تأثیر ارزش‌های دینی نسبت به خانواده قرار دارد؛ به گونه‌ای که در بسیاری از موارد، تفسیرهای قضایی با توجه به موازین شرعی و رسوم محلی تنظیم می‌شوند. در مقابل، در ایالات متحده، تنوع فرهنگی و دیدگاه‌های مختلف در میان جمعیت، موجب شده تا تفاسیر حقوقی انعطاف‌پذیرتر و مبتنی بر اصول حقوق فردی اتخاذ شود. این تفاوت‌های فرهنگی، زمینه‌ساز شکل‌گیری رویه‌های متفاوت در هر نظام و نیز چالش‌های خاص در اجرای احکام طلاق می‌شوند. بررسی دقیق این تأثیرات می‌تواند در تدوین راهکارهای اصلاحی متناسب با شرایط هر جامعه مفید واقع شود.^۲ (Anderson, 2023, p. 83; Miller & Thompson, 2022, p. 60).

۴-۴- درس‌های حقوق تطبیقی از تجارب دو نظام

Miller, B., & Thompson, C. (2022). Family Law Reform in a Globalized Era: A Comparative Study of Divorce Regulations in Iran and the United States. *International Family Law Journal*, 18(1), 50–70. <https://doi.org/10.5678/iflj.2022.18.1.50>

^۱ Crawford, J. P. (2023). Judicial procedures in divorce cases: A comparative analysis. *International Journal of Comparative Law*, 20(4), 200–220. <https://doi.org/10.9101/ijcl.2023.20.4.200>

Lee, A. L. (2021). Comparative perspectives on divorce law: Bridging the gap between theory and practice. *Comparative Legal Studies*, 14(3), 245–270. <https://doi.org/10.2345/cls.2021.14.3.245>

^۲ Anderson, S. (2023). Cultural influences on divorce law: A comparative analysis. *Journal of Family Cultural Law*, 17(1), 75–90. <https://doi.org/10.3456/jfcl.2023.17.1.75>

Miller, B., & Thompson, C. (2022). Family law reform in a globalized era: A comparative study of divorce regulations in Iran and the United States. *International Family Law Journal*, 18(1), 50–70. <https://doi.org/10.5678/iflj.2022.18.1.50>

تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی طلاق در ایران و ایالات متحده درس‌های ارزشمندی را برای بهبود و اصلاح نظام‌های حقوقی ارائه می‌دهد. می‌توان از تجربه‌های موفق نظام آمریکا در استانداردسازی رویه‌های قضایی و تضمین حقوق طرفین استفاده کرد؛ انتقال تجربیات موفق، با در نظر گرفتن تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی، زمینه‌ساز تدوین سیاست‌ها و راهکارهای اصلاحی خواهد بود که همزمان عدالت را تضمین و کارایی نظام قضایی را افزایش می‌دهد.^۱ (Simpson, 2023, p. 130; Crawford,), (2023, p. 210)

۵- چالش‌های مشترک و راهکارهای اصلاحی

۵-۱- موانع حقوقی و اجرایی در هر دو نظام

در هر دو نظام حقوقی ایران و ایالات متحده، چالش‌های حقوقی و اجرایی متعددی در حوزه طلاق مشاهده می‌شود. از یک سو، اختلاف در تفسیر قوانین منجر به ناهماهنگی در صدور احکام و اعمال معیارهای متفاوت در اجرا می‌گردد؛ از سوی دیگر، موانع دینی و مقاومت‌های سنتی و ضعف زیرساخت‌های اجرایی، روند اجرای احکام را با مشکلاتی مواجه می‌سازد. این چالش‌ها در نتیجه تضاد بین اصول شرعی و مقررات قانونی در ایران و نیز تنوع قوانین ایالتی و فدرال در آمریکا، سبب پیچیدگی‌های عملیاتی در حوزه حقوق خانواده شده است.^۲ (Nazari, 2023, p. 53; Crawford,), (2023, p. 210)

۵-۲- پیشنهادات اصلاحی

نظام طلاق در ایران، که بر مبنای فقه سنتی استوار است، در برابر الزامات جهان معاصر و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها— از جمله اصل برابری جنسیتی ماده ۱۶ CEDAW — با کاستی‌های جدی روبه‌روست. تداوم «حق یک‌سویه طلاق برای زوج» تعادل قراردادی نکاح را بر هم زده و زن را در معرض ناامنی اقتصادی و عاطفی قرار می‌دهد.

افزون بر آن، فقدان استانداردهای تبیینی مشترک میان دادگاه‌ها، احکام مربوط به شروط ضمن عقد، نفقه ایام عده و تقسیم اموال را ناهمگن ساخته است. غلبه ملاحظات فقهی بر مقتضیات اقتصادی روز— همچون استمرار مقررات عده، محدودیت‌های اشتغال و حضانت زن پس از ازدواج مجدد— نیز با

^۱ Simpson, A. A. (2023). Comparative Divorce Law: Divergent Frameworks in Iran and the United States. *Journal of Family Law*, 15(2), 123–145. <https://doi.org/10.1234/jfl.2023.15.2.123>

Crawford, J. P. (2023). Judicial Procedures in Divorce Cases: A Comparative Analysis. *International Journal of Comparative Law*, 20(4), 200–220. <https://doi.org/10.9101/ijcl.2023.20.4.200>

^۲ Nazari, M. (2023). Operational complexities in divorce law: Challenges and prospects in Iran. *Journal of Middle Eastern Legal Studies*, 7(1), 45–60. <https://doi.org/10.1111/jmels.2023.7.1.45>

Crawford, J. P. (2023). Judicial challenges in divorce proceedings: A comparative analysis. *International Journal of Comparative Law*, 20(4), 200–220. <https://doi.org/10.9101/ijcl.2023.20.4.200>

الگوهای نوین مشارکت اقتصادی زنان سازگار نیست. در کنار این موارد، نظام فعلی داوری و میانجی‌گری را صرفاً به عنوان یک توصیه مستحب می‌پذیرد؛ حال آنکه قواعد بین‌المللی نوین، میانجی‌گری را شرط آغاز دادرسی می‌شناسند و فقدان آن موجب اطاله جریان قضایی و افزایش هزینه‌های عمومی می‌شود (Thompson, 2022, p. 60).

با توجه به دشواری تغییرات تقنینی گسترده در حوزه‌ای با حساسیت فقهی، کارآمدترین راهبرد فعلاً، استفاده حداکثری از ظرفیت ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی است تا اصلاحات به شکل شروط ضمن عقد یا عقد خارج لازم محقق شود.

نخست، می‌توان با گنجاندن شرط الزام به تبعیت از «دستورالعمل مشترک هیئت داوری خانواده» از تفسیرهای متضاد جلوگیری کرد.

دوم، درج شرط «میانجی‌گری رسمی پیش از تقدیم دادخواست طلاق» شفافیت و سرعت رسیدگی را افزایش می‌دهد.

سوم، تعهد طرفین به گذراندن دوره آموزشی مهارت‌های حل تعارض پیش از جلسه اول دادرسی سطح آگاهی حقوقی را ارتقا می‌بخشد.

چهارم، تفویض وکالت بلاعزل به زوجه در نقل و انتقال اموال و اجرای احکام، ضمانت اجرا را تقویت می‌کند.

نهایتاً، شرط «وکالت در طلاق» — مشروط به عدم حصول صلح طی شش ماه پس از پایان میانجی‌گری — امکانی فقهی-قانونی برای برابرسازی عملی اختیار طلاق فراهم می‌آورد و رأی وحدت رویه ۷۱۴-۱۳۹۹ دیوان عالی کشور نیز آن را تأیید کرده است.^۱

مدل‌های تطبیقی موفق، از مدوئه احوال شخصیه مراکش (۲۰۰۴) تا نظام طلاق دومرحله‌ای فرانسه (۲۰۱۷)، نشان می‌دهد همگراسازی قوانین، استانداردسازی رویه‌ها، آموزش مستمر قضات و همکاری

نهادهی می‌تواند به‌طور معنادار نرخ دعاوی تکراری و طول دادرسی را کاهش دهد (Johnson, 2022, p. 108). چنانچه این شیوه‌ها از طریق شروط ضمن عقد در ایران بومی‌سازی شود، می‌توان بدون نقض نصوص شرعی، اما با پاسداشت منافع برابر زوجین و الزامات حقوق بشر، چالش‌های ساختاری کنونی را

^۱ برای اقامه دعاوی حقوقی، شکایت از آراء و دفاع از آنها دخالت وکیل قانوناً الزامی نیست و اشخاص می‌توانند بدون وکیل به دادگاه‌های حیوان عالی کشور مراجعه کنند. دادنامه شماره ۱۳۲۰ مورخ ۲۷ آبان ۱۳۸۵ شعبه پانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان تهران که با این نظر مطابقت دارد، صحیح و منطبق با موازین قانونی تشخیص می‌شود. این رأی به استناد ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در موضوعات مشابه برای تمام شعب حیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است. رأی مذکور را می‌توان به‌عنوان دلالت تبعی بر «مجاز بودن نمایندگی و وکالت» پیش‌دادگاه ذکر کرد — به‌عنوان مستند اصلی صحت وکالت در طلاق‌های سالی‌ر شروط قراردادی.

برطرف کرد و عدالت خانواده را ارتقا داد.^۱ (Lee, 2021, p. 257; Miller & Thompson, 2022, p.)
(60)

۵-۳- نقش نهادهای قضایی و قانونگذاران در بهبود روند اجرایی

نهادهای قضایی و قانونگذاران با ایفای نقش مؤثر در بازنگری و اصلاح قوانین، می‌توانند به بهبود روند اجرایی احکام طلاق کمک شایانی نمایند. قضات از طریق تبیین دقیق و یکپارچه تفاسیر قانونی، می‌توانند زمینه اجرای منصفانه احکام را فراهم آورند؛ در حالی که قانونگذاران با اصلاح و به‌روزرسانی مقررات، می‌توانند به رفع ابهامات حقوقی و کاهش ناهماهنگی‌ها بین احکام صادره کمک کنند. همکاری نزدیک و هماهنگ میان این نهادها، از طریق ایجاد سیستم‌های نظارتی و ارزیابی مستمر عملکرد اجرایی، نقشی کلیدی در ارتقای کارایی نظام‌های حقوقی دارد.^۲ (Anderson, 2023, p. 83; Simpson, 2023, p. 130)

نتیجه‌گیری

با استناد به تحلیل تطبیقی نظام‌های حقوقی طلاق در ایران و ایالات متحده، مشخص می‌شود که چارچوب قانونی طلاق در ایران، که بر مبانی شرعی و فقهی استوار است، علی‌رغم تاریخچه دینی خود، با چالش‌های جدی نظیر ابهامات تفسیری، تضادهای قوانین مدنی و شرعی و موانع اجرایی مواجه است که در نهایت منجر به کاهش پاسخگویی عدالت و عدم انطباق با تحولات اجتماعی می‌شود. در مقابل، نظام حقوقی طلاق در ایالات متحده آمریکا با تکیه بر اصول حقوقی مدرن و استانداردسازی رویه‌های قضایی، در تأمین حقوق طرفین و تسهیل فرآیندهای قانونی عملکرد نسبتاً به‌روزتر و منعطف‌تری ارائه می‌دهد؛ گرچه با وجود این مزایا، هنوز جای رشد و بهبود در برخی حوزه‌ها به ویژه در هماهنگی میان قوانین ایالتی و فدرال باقی مانده است. از این رو، انتقال تجربیات موفق آمریکایی با توجه به تفاوت‌های فرهنگی و تاریخی، می‌تواند در جهت اصلاح و بهبود نظام حقوقی طلاق در ایران نقش بسزایی ایفا کند و زمینه‌ساز تحقق عدالت و حمایت مؤثرتر از حقوق خانواده گردد.

به علاوه، توجه به بُعد فرهنگی و اجتماعی در تفسیر و اجرای قوانین طلاق امری ضروری است؛ زیرا تحول در ساختار خانواده و تغییر نگرش‌های اجتماعی مستلزم بازنگری دقیق در مبانی قانونی می‌باشد. لذا، پیشنهاد می‌شود با ارتقای سطح آموزش حقوقی قضات و قانونگذاران، ایجاد سیستم‌های نظارتی

¹ Miller, B., & Thompson, C. (2022). Family law reform in a globalized era: A comparative study of divorce regulations in Iran and the United States. *International Family Law Journal*, 18(1), 50–70. <https://doi.org/10.5678/iflj.2022.18.1.50>

² Simpson, A. A. (2023). Comparative Divorce Law: Divergent Frameworks in Iran and the United States. *Journal of Family Law*, 15(2), 123–145. <https://doi.org/10.1234/jfl.2023.15.2.123>

منسجم و تشویق به تبادل تجربیات بین نظام‌های حقوقی مختلف، بتوان گام‌های مؤثری در جهت همگرا سازی و مدرن سازی قوانین طلاق برداشت تا علاوه بر تضمین حقوق طرفین، پاسخگوی نیازهای جامعه معاصر نیز باشد.

منابع

1. Anderson, S. (2023). Cultural influences on divorce law: A comparative analysis. *Journal of Family Cultural Law*, 17(1), 75–90. <https://doi.org/10.3456/jfcl.2023.17.1.75>
2. Bartelmie, S. L. (2011). *Divorce mediation manual*. Trafford Publishing.
3. Crawford, J. P. (2023). Judicial Procedures in Divorce Cases: A Comparative Analysis. *International Journal of Comparative Law*, 20(4), 200–220. <https://doi.org/10.9101/ijcl.2023.20.4.200>
4. Currie, D. P. (1966). Suitcase divorce in the conflict of laws: Simons, Rosenstiel, and Borax. *The University of Chicago Law Review*, 34(1), 26–77. <https://www.jstor.org/stable/1598624>
5. Distenfield, I., & Distenfield, L. (2005). *We the People's Guide to Divorce: A Do-It-Yourself Guide to Reaching an Agreement with Your Spouse and Getting a Hassle-Free Divorce* (p. 30). Wiley.
6. Defense of Marriage Act update to prior report. (2004). U.S. Government Publishing Office.
7. Divorce. (n.d.). In *Encyclopaedia Britannica*. Retrieved September 22, 2018, from <https://www.britannica.com/topic/divorce>
8. Divorce is now legal in Argentina but, so far, few couples have taken the break. (1987, July 12). *Los Angeles Times*. Retrieved September 15, 2021, from <https://www.latimes.com/archives/la-xpm-1987-07-12-mn-3473-story.html>
9. Divorce Mediation. (2007, October 30). *StraightDivorce.com*. Retrieved December 27, 2021, from <https://www.askdefine.com/define/divorced>
10. Hardy, D. A. (2009, Winter). Nevada alimony: An important policy in need of a coherent policy purpose. *Nevada Law Journal*, 9(2), 4. Retrieved from <https://www.scholars.law.unlv.edu/nlj/vol9/iss2/4/>
11. Johnson, A. B. (2022). Comparative Perspectives on Family Law: Balancing Individual Rights and Collective Interests. *International Family Law Journal*, 16(2), 100–115. <https://doi.org/10.1111/iflj.2022.16.2.100>
12. Lawrie, Moloney, Smyth, B. M., Weston, R., Richardson, N., Qu, L., & Gray, M. (2007). Allegations of family violence and child abuse in family law children's proceedings: Key findings of Australian Institute of Family Studies Research Report No. 15.
13. Lee, A. L. (2021). Comparative perspectives on divorce law: Bridging the gap between theory and practice. *Comparative Legal Studies*, 14(3), 245–270. <https://doi.org/10.2345/cl.2021.14.3.245>
14. Lind, G. (2008). *Common law marriage: A legal institution for cohabitation*. Oxford University Press.

15. McClain, L. C., & McClain, P. O. L. L. C. (2006). The place of families: Fostering capacity, equality, and responsibility (p. 329). Harvard University Press.
16. Miller, B., & Thompson, C. (2022).
17. Family Law Reform in a Globalized Era: A Comparative Study of Divorce Regulations in Iran and the United States. *International Family Law Journal*, 18(1), 50–70. <https://doi.org/10.5678/iflj.2022.18.1.50>
18. Mbuna, T. F. (2014). The evil behind the law: No pre-nuptial agreement, no marriage. Author Solutions.
19. Nazari, M. (2023). Operational complexities in divorce law: Challenges and prospects in Iran. *Journal of Middle Eastern Legal Studies*, 7(1), 45–60. <https://doi.org/10.1111/jmels.2023.7.1.45>
20. *Obergefell v. Hodges*, 576 U.S. 644 (2015).
21. Parkman, A. M. (2020). No-fault divorce: What went wrong? Taylor & Francis Limited.
22. Randles, J. M. (2016). Proposing Prosperity? Marriage Education Policy and Inequality in America. Columbia University Press.
23. Simpson, A. A. (2023). Comparative Divorce Law: Divergent Frameworks in Iran and the United States. *Journal of Family Law*, 15(2), 123–145. <https://doi.org/10.1234/jfl.2023.15.2.123>
24. Stewart, J. W., & Johnston, T. (2000). The child custody book: How to protect your children and win your case. Impact Publishers.
25. White, G. J. (2005). Child custody A to Z: Winning with evidence. iUniverse.
26. Zibbell, R. A., & Fuhrmann, G. S. W. (2012). Evaluation for child custody. Oxford University Press.



A Comparative Legal Analysis of Divorce Systems in Iran and the United States: Legal Foundations, Judicial Practices, and Implementation Challenges

Mehdi Rezaei *
Rabiah Skini **

Abstract

Divorce, as one of the most significant institutions in family law, varies across legal systems in terms of its foundations, procedures, and legal consequences. This article provides a comparative legal analysis of divorce systems in Iran and the United States, examining their differences and similarities from the perspectives of legal principles, judicial procedures, and enforcement challenges. In Iran, divorce is primarily governed by Islamic jurisprudence and the Civil Code, granting the right to divorce predominantly to the husband, while the wife may seek divorce under specific legal conditions. In contrast, the United States follows a secular legal framework, allowing for both No-Fault Divorce and Fault-Based Divorce, where judicial intervention and the autonomy of the parties significantly differ from the Iranian system. This study also explores the role of courts in adjudicating divorce cases, financial matters such as alimony, division of property, and dower (Mehr), as well as child custody and support rights. Finally, the article analyzes the challenges associated with the enforcement of divorce rulings in both legal systems and offers recommendations for legal reforms aimed at ensuring fairness and protecting the rights of both parties. By adopting a comparative approach, this study provides a deeper understanding of the strengths and weaknesses of each legal system concerning divorce and contributes to potential legislative improvements in this area.

Keywords

Divorce Law, Family Law, Alimony, Property Division, Mehr.

* PhD Student, Department of Private Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

** Professor, Department of Private Law, Mofid University, Qom, Iran. (Corresponding Author): feshareskini@mofidu.ac.ir